

پیام نه

خواندن کتاب امثال با روح دعا تا گوهر و جواهر به ما ارائه دهد برای تقویت زندگی ما در پیروی از مسیح جهت به انجام رساندن اقتصاد خدا

مطالعه متون مقدس: امثال ۱: ۱-۷؛ افسسیان ۴: ۲۲-۲۴؛ ۶: ۱۷-۱۸

۱. امثال مجموعه‌ای از سخنان حکیمانه است (۱: ۱-۷)؛ این کتاب بر حکمتی که انسان توسط ارتباط خود با خدا از خدا دریافت می‌کند، تأکید دارد (م.ش. دوم تواریخ ۱: ۱۰-۱۲؛ کولسیان ۲: ۲-۳؛ ۱: ۲۸-۲۹)، و به انسان می‌آموزد که در زندگی انسانی خویش چگونه رفتار کند و شخصیت خود را بنا سازد (م.ش. فیلیپیان ۱: ۲۰؛ غلاطیان ۶: ۷-۸؛ ۵: ۲۲-۲۶):

آ. از آنجا که امثال به طور عمده توسط دو پادشاه (سلیمان و حزقیا) در عصر شریعت تألیف شده، این کتاب را می‌توان زیرمجموعه‌ای از شریعت دانست.

ب. شریعت، تصویر خداست؛ به همین دلیل، مردم خدا را ملزم می‌دارد که آن را حفظ کنند تا بتوانند برای ابراز خدا و جلال یافتن او، نسخه‌هایی از خدا شوند - م.ش. رومیان ۸: ۴.

پ. امثال، به عنوان زیرمجموعه‌ای از شریعت، به مردم می‌آموزد که چطور رفتار کنند و چگونه خود را بر طبق صفات خدا، یعنی بر اساس آنچه خدا هست، بنا سازند.

۲. امثال دارای یک ویژگی خاص است؛ یعنی، سخنان حکیمانه از حکیمان بسیار در قدیم را که به اتفاق نظر همه کسانی که آنها را می‌خوانند، خوب هستند؛ به ما ارائه می‌دهد؛ اما ما باید دریابیم که آنچه کتاب امثال برای ما هست، بستگی به آن دارد که ما چه نوع شخصی هستیم و چگونه آن را می‌خوانیم:

آ. اگر ما انسان‌هایی پیرو اخلاقیات با ذهنی قوی باشیم و بخواهیم به طور کامل همچون اشخاصی واقعاً اخلاقی باشیم، این کتاب مطمئناً به ما کمک خواهد کرد تا در جستجوی کمال، موفق شویم؛ در این صورت، به ما کمک نمی‌کند که اشخاصی باشیم که در روح و بر طبق روح خدا زندگی می‌کنند (دوم تیموتائوس ۴: ۲۲؛ رومیان ۱: ۹؛ ۲: ۲۹؛ ۷: ۶؛ ۸: ۴-۶، ۹-۱۱، ۱۶؛ اول قرنطیان ۱۶: ۱۸؛ دوم قرنطیان ۲: ۱۳-۱۴؛ فیلیپیان ۳: ۳؛ غلاطیان ۵: ۱۵-۱۷، ۲۲-۲۵؛ ۶: ۱۸؛ افسسیان ۵: ۱۸؛ ۶: ۱۸):

۱. در عهد قدیم، ایوب از کاملیت خود، از اینکه در جستجوی کمال انسانی بود، رضایت داشت، اما این آنچه خدا از او می‌خواست، نبود؛ بلکه، این جایگزین آنچه خدا از او می‌خواست، شد، و همین دشمن خدا شده و ایوب را به عنوان انسانی که توسط خدا خلق شده بود تا مقصود خدا را به انجام رساند، بی‌ثمر ساخت.

۲. مقصود خدا برای ایوب این بود که خدا را برای جلال یافتن خدا، برای ابراز او کسب کند؛ بالاترین خدمتی که ما می‌توانیم به خدا ارائه دهیم این است که خدا را به بیشترین حد کسب کنیم، [یعنی] با خدا پر شویم تا خدا را برای جلال او ابراز کنیم - فیلیپیان ۳: ۷-۸، ۱۲؛ اشعیا ۴۳: ۷؛ اول قرنطیان ۶: ۲۰؛ ۱۰: ۳۱؛ م.ش. یوحنا ۱۷: ۱.

۳. مقصود خدا از آفریدن انسان آن است که انسان، او را کسب کند و با او پر شود تا ابراز او باشد، نه ابراز کمال انسانی؛ بنابراین، موفقیت ایوب در رسیدن به کمال انسانی، توسط خدا در هم شکسته شد؛ آنگاه خدا آمد تا خودش را بر ایوب آشکار سازد، و این امر حاکی از آن است که خدا خودش، همان است که ایوب باید بجوید، کسب و ابراز کند - ایوب ۴۲: ۱-۶؛ ۱۰: ۱۳؛ افسسیان ۳: ۹؛ فیلیپیان ۳: ۱۴؛ دوم قرنطیان ۳: ۱۸؛ ۴: ۱۶-۱۸.

ب. وقتی به کتاب امثال می‌رسیم، باید توسط دعا کردن در روح، از ذهن به روح برگردیم (افسسیان ۶: ۱۸؛ لوقا ۱۸: ۱؛ کولسیان ۴: ۲)؛ اگر بدین صورت به امثال نزدیک شویم، کلام را توسط انسان نو لمس خواهیم کرد، و حیاتی را زیست می‌کنیم که نه توسط انسان طبیعی و کهنه‌ما، نه توسط خود ما، بلکه توسط خداوند عیسی

که حیات و شخص ساکن در روح ماست، خواهد بود (دوم تیموتائوس ۴: ۲۲؛ یوحنا ۶: ۵۷، ۶۳؛ ارمیا ۱۵: ۱۶).

پ. ما باید خودپروری را رد کنیم، بنام انسان طبیعی در خلقت کهنه را محکوم کنیم (م. ش. متی ۱۶: ۲۴؛ رومیان ۶: ۶؛ غلاطیان ۲: ۲۰)، و به عنوان یک انسان تولدتازه یافته در خلقت نو (افسیان ۴: ۲۲-۲۴؛ دوم قرنتیان ۴: ۱۶) توسط بکار بردن روحمان با روح [قدوس] برای تماس با کلام در روح دعا به امثال نزدیک شویم، بدین ترتیب، کلام در امثال برای ما روح و حیات خواهد شد (یوحنا ۶: ۶۳؛ متی ۴: ۴؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸).

ت. ما ایمانداران عهد جدید باید ایمان داشته باشیم که امثال، بخشی از کلام مقدس در متون مقدس خداست؛ سراینده مزمور می گوید، «فرمان های تو را حرمت و دوست خواهم داشت» (مزامیر ۱۱۹: ۴۸)؛ برافراشتن دستمان [حرمت داشتن] به فرمان های خدا برای نشان دادن آن است که ما آنها را به گرمی و به شادی دریافت می کنیم و به آنها آمین می گوئیم (نحمیا ۸: ۵-۶).

ث. امثال، نفس خدا برای ماست تا آن را استنشاق کنیم که بتوانیم تأمین حیات را از خدا دریافت نماییم؛ کتاب مقدس بازدم خداست؛ وقتی ما هر آیه را توسط دعا بخوانیم، این دعایی خواندن، تنفس ما از نفس خدا می شود - دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ افسسیان ۶: ۱۷-۱۸:

۱. همه کلام در امثال، تنفس خداست، که در مجموع در مسیح جسم می یابند؛ وقتی امثال را می خوانیم، باید هر آنچه را خدا بازدمیده، هر آنچه را او به بیرون دمیده، به درون نفس بکشیم؛ توسط به درون کشیدن نفس الهی در امثال، هر چه بیشتر دم خدای سخنگو را به درون دریافت کنیم، از مسیح مسرت بیشتری خواهیم داشت - دوم تیموتائوس ۳: ۱۶؛ یوحنا ۲۰: ۲۲.

۲. از آنجا که به فرزندان اسرائیل فرمان داده شده بود که فرامین، فرایض، و قوانین را حفظ کنند، امروز ما باید مسیح را حفظ کنیم؛ به وسیله برگرفتن مسیح، حفظ کردن مسیح، و چسبیدن به او، ما او را کسب خواهیم کرد، از او مسرت خواهیم برد، و او را زیست خواهیم کرد؛ ما باید عاشق مسیح باشیم، مسیح را حفظ کنیم، مسیح را تعلیم دهیم، مسیح را بپوشیم، و مسیح را بنویسیم - تثنیه ۶: ۱، ۵-۹؛ فیلیپیان ۳: ۹؛ ۱: ۱۹-۲۱.

۳. چون متون مقدس، نفس خدا، بازدم خدا هستند (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶)، ما باید متون مقدس را توسط دریافت کلام خدا، از جمله کتاب امثال، به وسیله همه نوع دعا، به درون نفس بکشیم (افسیان ۶: ۱۷-۱۸)؛ وقتی کتاب مقدس را تعلیم می دهیم، باید خدا را به درون مردم بدمیم.

ج. ما باید توسط پر شدن با پری خدا در روحمان، امثال را بخوانیم (افسیان ۵: ۱۸-۱۹؛ ۳: ۱۹)؛ علاوه بر آن، ما باید کتاب امثال را در روح حیات عهد جدید (رومیان ۸: ۲)، با روح تولدتازه یافته خود (آ. ۱۶)، و به وسیله در هم آمیختن دعا با خواندنیان، مطالعه کنیم (افسیان ۶: ۱۷-۱۸) تا کلمات را با روح و حیات در هم آمیزیم (م. ش. یوحنا ۶: ۶۳).

۳. بر طبق اقتصاد خدا، امثال بزرگ، همچون گوهر، و امثال کوچک، همچون جواهر، برای آن نیستند که ما انسان کهنه خود را بنا کنیم؛ بلکه برای آن هستند که ما انسان نوین خود را بنا سازیم و زندگی مان را در پیروی از مسیح تقویت کنیم تا اقتصاد خدا در تولید و بنای بدن مسیح، که در اورشلیم نو، همان خواست قلبی خدا و هدف نهایی او تکمیل خواهد شد، به انجام برسد:

آ. ما باید کلام زنده و مؤثر خدا را با یک روح دعا دریافت کنیم تا بتوانیم انسان نوین خود را بنا سازیم و قادر شویم که روحمان را از روانمان تمیز دهیم - عبرانیان ۴: ۱۲:

۱. حیلۀ شیطان همیشه آن است که روح ما را با روانمان قاطی کند؛ بزرگترین مشکل ما اختلاط ماست؛ هر چه بیشتر خدا را توسط پر شدن با نور و حضورش بشناسیم، ارزش خالص بودن را بیشتر از ارزش قدرت خواهیم دانست - متی ۵: ۸؛ لوقا ۱۱: ۳۴-۳۶؛ مزامیر ۱۱۹: ۱۰۵، ۱۳۰.

۲. راه زدودن یک چنین اختلاط توسط مکاشفه روح القدس است؛ تفکیک روان و روح زمانی رخ می دهد که

کلام خدا ما را روشن ساخته و به درون ما بتابد تا اندیشه‌ها و نیت‌های قلبی مان را آشکار کند - ۳۶: ۹؛
اول پطرس ۲: ۹.

۳. هرآنچه زیر نور خدا از کلام خدا می‌بینیم، توسط نور کشته می‌شود؛ بزرگ‌ترین چیز در تجربه مسیحیان،
کشته‌شدنی است که از نور حاصل می‌شود؛ تفکیک روان و روح در نتیجه تابش نور رخ می‌دهد - اشعیا
۶: ۱-۸؛ اعمال ۹: ۱-۴؛ ۱۳: ۹-۱۰.

۴. مکاشفه عبارت است از دیدن آنچه که خدا می‌بیند؛ یعنی خدا چشم ما را باز می‌کند تا نیت‌ها و عمیق‌ترین
افکار در وجودمان را همان طور ببینیم که خدا آنها را می‌بیند؛ به محض آنکه خدا افکار ما را افشا کرده و
نیت‌های قلبی مان را به ما نشان می‌دهد، روان ما از روحمان جدا، تفکیک خواهد شد.

۵. بجز دعای خواندن، کتاب امثال فقط مجموعه‌ای از امثال است، اما وقتی ما امثال را با دعا بخوانیم، یعنی،
وقتی امثال را دعای بخوانیم، دعای خواندن ما موجب می‌شود که همه امثال برای ما به کلام روح و حیات
تبدیل شوند.

ب. ما باید نه به عنوان حافظان لغت بلکه به عنوان جویندگان خدا به امثال نزدیک شویم؛ ما باید کسانی باشیم
که با تمامی قلب خدا را بجوییم، در تمنای روی او به دنبال لطف خدا باشیم، از خدا بخواهیم تا کاری کند که
چهره او بر ما بتابد، و در حضور خدا گام برداریم - مزامیر ۲۷: ۸؛ ۱۰۵: ۴؛ ۱۱۹: ۲، ۱۰، ۵۸، ۱۳۵، ۱۶۸؛
دوم قرنتیان ۳: ۶.

۴. افسسیان ۴: ۲۲-۲۴ به روشنی به ما می‌گوید که یک ایماندار در مسیح دارای دو انسان است - انسان کهنه و
انسان نو؛ انسان کهنه از آدم، به واسطه تولد طبیعی ماست، و انسان نو از مسیح توسط یک تولد نو، تولد
تازه است؛ ما باید حیاتی را زندگی کنیم که در آن انسان کهنه را به در و انسان نو را در بر کنیم؛ بر طبق اقتصاد
خدا، امثال نباید برای پروراندن و بنای انسان کهنه ما به کار گرفته شود بلکه باید جهت پرورش و بنا سازی
انسان نوین تولد تازه یافته ما باشد:

آ. به منظور وارد شدن به اهمیت درونی کتاب امثال بر اساس اقتصاد خدا، ما باید کسانی باشیم که بر طبق
خلقت نو زندگی کنیم (غلاطیان ۶: ۱۵)؛ خلقت کهنه، انسان کهنه ما در آدم است (افسسیان ۴: ۲۲)، [یعنی]
وجود طبیعی ما از تولدمان، بدون حیات خدا و طبیعت الهی؛ خلقت نو، انسان نو در مسیح است (آ. ۲۴)،
وجود ما که توسط روح، تولد تازه یافته (یوحنا ۳: ۶)، حیات خدا و طبیعت الهی به درون آن سرشته شده (آ.
۳۶: دوم پطرس ۱: ۴)، مسیح را به عنوان ساختار آن دارد (کولسیان ۳: ۱۰-۱۱)، و به یک ساختار نو تبدیل
می‌شود.

ب. در روح ما، آن روح عالی، شگفت‌انگیز، پروسه دیده، شامل تمام، هفت برابر شدت یافته، و حیات بخش وجود
دارد (فیلیپیان ۱: ۱۹؛ مکاشفه ۴: ۵؛ ۵: ۵؛ ۶: اول قرنتیان ۱۵: ۴۵؛ دوم قرنتیان ۳: ۶؛ رومیان ۸: ۱۶)؛ وقتی ما
برای ارتباط با مسیح به عنوان کلام زنده خدا (یوحنا ۱: ۱؛ ۵: ۳۹-۴۰) در کلام نوشته شده خدا (۱۰: ۳۵)،
روح خود را به کار می‌بریم، او برای ما کلام تحقق یافته خدا به عنوان روح می‌شود (افسسیان ۶: ۱۷-۱۸)؛ آنگاه
خواندن هر کلمه‌ای از کتاب مقدس توسط ما، برای ما روح و حیات می‌گردد تا ما را احیا کند (یوحنا ۶: ۶۳).

پ. ما باید از کتاب مقدسی که در ظاهر به ما تعلیم می‌دهد که خود را پرورش دهیم و انسان طبیعی را بنا کنیم، به
کتاب مقدسی برگردیم که با دریافت آن در روح و فضای دعا، در واقع پر از نور، حیات، و تغذیه روحانی است؛
این، خود ما را فرو می‌ریزد، انسان طبیعی ما را در هم می‌شکند، و ما را با روح تکمیل شده خدای سه‌یکتا تأمین
می‌سازد.

۵. ما باید کسانی باشیم که عاشق خداوند بوده، و نه جوای کمال خود بلکه جوای مسیح باشیم (م.ش. فیلیپیان
۳: ۱۴-۱۳)، و عاشق کلام خدا در تمام کتاب مقدس بوده و آن را با روح دعا بخوانیم، و در پی تعالیم نوشته شده
نباشیم بلکه روح و کلام حیات را بجوییم (م.ش. یوحنا ۵: ۳۹-۴۰؛ دوم قرنتیان ۳: ۶)؛ ما نه برای کمک گرفتن
جهت خودپروری بلکه جهت تغذیه روحمان، باید امثال را بخوانیم تا بتوانیم آن حیات مسیحی را زیست کنیم
که در صفات الهی که ابراز خواص الهی هستند، بی‌عیب است (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳؛ متی ۵: ۹-۵).